درس 47

1 دعا
رهبر گروه:: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها: (15 دقيقه)
انبيايي كوچك
هر يك: به‌نوبت: و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (هوشع 2، يوئيل 2، عاموس 5، يونس 1)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد،: بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن: (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور:: دو به دو مرور كنيد. روميان 16:17.

4 تعليم: (90 دقيقه)
ميشها و بزها
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

مثل ميشها (گوسفندان) و بزها در متي 25:31ـ46 مثلي دربارة «داوري در ملكوت خدا» مي‌باشد.

قرائت:: متي 25:31ـ46.

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه:: مَثَل‌ها با زبانِ مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخيِ داستان مي‌پردازيم.
بحث:: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
اين قسمت اگرچه شامل: عناصر يك مثل: مي‌گردد، ولي واقعاً يك مثل: نيست. براي مثال، گوسفندها و بزها اغلب در طي روز، موقعِ چرا با يكديگر مخلوط مي‌گردند. اما در بعد از ظهر، هنگامي كه چوپان گوسفندان خود را صدا مي‌زند، بزها عكس‌العملي نشان نمي‌دهند! گوسفندها صداي چوپان خود را مي‌شنوند و دور او جمع مي‌شوند (يوحنا 10:1ــ6). اما بزها را مي‌بايد دور هم جمع كرد. متي 25:31ـ46 توصيفي نمايشي از روز داوري نهايي مي‌باشد كه از اين نماد استفاده كرده است.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
مقدمه:: چارچوب شاملِ «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه: شرايط: به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً: قبل از: مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد،: بعد از: مثل.
كشف و بحث:: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينه: اين توصيف از روز داوري نهايي در متي فصل‌هاي 24 و 25 آمده است. اين دو فصل شامل تعاليم مسيح دربارة وقايع آخر زمان مي‌باشد. پيام اين دو فصل اين است كه مسيحيان مي‌بايد به‌هنگام بازگشت مسيح به‌عنوان داور و پاداش‌دهنده، مراقب و هشيار باشند. نبوت‌هاي موجود در اين دو فصل هم به وقايع آيندة نزديك و هم به وقايع آخر زمان اشاره دارند.
1- در متي 24، نزديك شدن داوري بر اورشليم و روز داوري نهايي بر كل جهان در بازگشت مسيح به شكل يك تعليم بزرگ دربارة وقايع آخر زمان به هم تابيده شده‌اند. نزديك شدن اورشليم به مصيبت همچون يك نماد عمل مي‌كند يعني مثالي كه رنج و عذاب آخر زمان را به تصوير مي‌كشد.

2- در متي 25، مثل ده باكره تعليم مي‌دهد كه چون زمان بازگشت مسيح نامعلوم است هر مسيحي مي‌بايد هر روزه منتظر و آماده باشد. مثل قنطارها تعليم مي‌دهد كه براي هر مسيحي قبل از فرا رسيدن روز داوري نهايي وفاداري و جد و جهد در بكارگيري از تواناييها و فرصتهايي كه خدا مي‌بخشد، ضروري و لازم است. از اين ديدگاه، عيسي روز داوري نهايي را با زباني نمادين و نمايشي توصيف مي‌نمايد.

ب) داستان و توضيح يا كاربرد: به شكل يك توصيف دربارة روز داوري نهايي مي‌باشد.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه:: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را آستحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شويم.
كشف و بحث:: كداميكَ از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:

الف) تخت داوري (كرسي جلال): از جزئيات مربوط مي‌باشد، چرا كه مستقيماً به روز داوري نهايي در بازگشت عيسي مسيح مربوط است.
آيا: تخت داوري: بر روي زمين است يا در آسمان؟ بر اساس زكريا 14:4 بعضي از مسيحيان معتقدند كه تخت بر روي زمين است. با وجود اين، زكريا 14:1ـ5 از تخت صحبت نمي‌كند! زكريا در مورد: وقايع آخر: در «روز خداوند» به روش عهدعتيق توضيح مي‌دهد. يعني دربارة وقايعي كه براي قوم اسرائيل (يهود) در سرزمين اسرائيل (فلسطين) اتفاق مي‌افتد (ر.ش. مكاشفه 20:ـ 8ــ9). در كتاب مكاشفه، تخت خدا و بره، يعني عيسي مسيح، عموماً در مناطق بالايي مي‌باشند كه احتمالاً مي‌تواند در آسمان، جايي كه مسيحيان حقيقي ربوده شده و با خوشي مسيح را ملاقات مي‌كنند، باشد (مكاشفه 4:1ـ2؛ 5:6 ؛ 20:11ـ12؛ متي 19: 28ـ29؛ 25:31؛ اول تسالونيكيان 4:ـ15ـ17).

ب) داور: نيز از جزئيات مربوط است، چرا كه مستقيماً به روز داوري نهايي در بازگشت عيسي مسيح مربوط است. آيا داور، خداي پدر است، يا خداي پسر؟ در اعمال الهي از قبيل خلقت، مشيت، رهايي و داوري، هر سه شخصيت تثليث مقدس با هم همكاري مي‌نمايند. با وجود اين، در متن حاضر آشكار است كه تخت داوري به عيسي مسيح به‌عنوان ميانجي و به‌عنوان پاداشي به دليل كامل نمودن كار ميانجيگري خود، بخشيده شده است (دانيال 7:13ــ14؛ متي 13:41؛ـ 16:27؛ـ 26:64؛ـ 28:ـ 18؛ يوحنا 5:22ـ23؛ـ 27:29؛ فيليپيان 2:9ـ10). عيسي، پادشاه ناميده شده است (يوحنا 18:36، مكاشفه 19:16) و تمامي قدرت در آسمان و زمين به او داده شده است (متي 11:27،ـ 28:ـ 18، افسسيان 1:22). شخصي كه بر تخت بزرگ سفيد در مكاشفه 20:11 نشسته است (متي 19: 28؛ مكاشفه 5:6)، شخصي كه مي‌آيد و محصول نهايي را درو مي‌نمايد (مكاشفه 14:14) و شخصي كه از حضور وي آسمان و زمين مي‌گريزد (مكاشفه 6:14) عيسي مسيح است، كه بيان كننده نه نابودي كائنات، بلكه احيا و نوسازي آن مي‌باشد (دوم پطرس 3:10؛ اعمال 3:21؛ روميان 8: 21).

ج) ملائكه (فرشتگان): نيز از جزئيات مربوط مي‌باشند، چرا كه مستقيماً به روز داوري نهايي در بازگشت عيسي مسيح مربوط است.
عملكرد فرشتگان چيست؟ آنان در: پايان زمان: همراه با عيسي مسيح مي‌باشند. در بازگشت مسيح، آنان تشكيل‌دهندة صف جلال مسيح خواهند بود و دو وظيفه مهم براي انجام دادن، خواهند داشت.
1- فرشتگان بعد از قيامت مردگان (اول قرنتيان 15:42ـ49) و تبديل هيأت ايمانداراني كه هنوز زنده هستند (اول قرنتيان 15:50ـ52)، قوم برگزيدة خدا (گوسفندان او) را از اقصا نقاط زمين: جمع خواهند كرد . قوم برگزيده و منتخب خدا كه همان مسيحيان واقعي مي‌باشند، در ابرها ربوده خواهند شد و عيسي مسيح را در هوا ملاقات خواهند كرد (متي 24:31؛ 40الف، 41الف؛ اول تسالونيكيان 4:15ـ17)، به او خوشامد خواهند گفت، او را جلال خواهند داد، و از او متعجب خواهند بود (دوم تسالونيكيان 1:10).
2- فرشتگان هر چيزي را كه باعث گناه مي‌شود و تمام اشخاصي را كه گناه مي‌كنند، از ملكوت خدا: جدا خواهند كرد: (متي 13:41). بعداً در همان روز داوري نهايي، فرشتگان ايشان (يعني بزها) را مقابل تخت داوري مي‌برند؛ در آنجا عيسي مسيح، با همكاري اين فرشتگان آنان را در مكاني مجزا در دست چپ خود براي داوري نهايي قرار مي‌دهد (متي 13:49ـ50؛ـ 25:31ـ33). بعد از آن، فرشتگان جسم و روح ايشان را به دوزخ خواهند انداخت (متي 13:42؛ دوم تسالونيكيان 1:7ـ9؛ مكاشفه 14:17ـ20).

د) جميع امت‌ها: كه در حضور او جمع مي‌شوند (در مقابل تخت داوري) نيز از جزئيات مربوط است چرا كه مستقيماً به روز داوري نهايي در بازگشت عيسي مسيح مربوط است. اين: امتها: كه در مقابل تخت داوري جمع خواهند شد، چه اشخاصي هستند؟ بعضي از مسيحيان معتقدند كه داوري توصيف شده در متي 25:31ـ46 با داوري توصيف شده در مكاشفه 20:11ـ15 متفاوت است. ايشان مي‌گويند كه متي 25 فقط داوري امت‌هاي غيريهودي را بر اساس چگونگي رفتار و عملكرد ايشان با قوم يهود بيان مي‌كند و مكاشفه 20 داوري ديگري را در هزار سال بعد توصيف مي‌نمايد، يعني فقط داوري ناتوبه‌كاران را. با وجود اين، هيچ توجيه و ضمانتي در كتاب‌مقدس براي اين تمايز و تفاوت وجود ندارد!

داوري توصيف شده در متي 25 و مكاشفه 20 هر دو يكي بوده، همان روز داوري نهايي مي‌باشد. داوري مذكور در متي 25:31ـ46 به همان اندازة داوريِ مذكور در مكاشفه 20:11ـ15: نهايي و جهـاني: مي‌باشد!
متي مي‌گويد «جميع امتها» و به امت يهود بطور مجزا اشاره نمي‌كند. و مكاشفه مي‌فرمايـد: «مـوت و عالم اموات مردگاني را كه در آنان بودند باز دادند» و «مردگان را خُرد و بزرگ» در مقابـل تخت داوري ايستاده مي‌بيند و هيچ شخصي را از اين قيامت و داوري عمومي مستثنا نمي‌داند! علاوه بر اين، متي 19: 28 بطور خاص اشاره مي‌كند كه قوم يهود نـيز در «معـاد وقـتي كـه پسـر انسـان بـر كرسـي جلال خـود نشيند» داوري خواهند شد، يعني در همان زمان. دانيال 12:2 و يوحنا 5:ـ 28ـ29 و اعمـال 24:15 تعليم مي‌دهند كه تمام عادلان و گناهكاران زمين با هم قيام كرده و با هم داوري خواهند شد. كتاب‌مقدس فقط دربارة يك قيامت مردگان و يك روز داوري نهايي براي تمام انسانهايي كه زندگي كرده‌اند تعليم مي‌دهـد!: بنابراين امتهايي كه مقابل تخت جمع مي‌گردند، تمـام انسـانهايي هسـتند كـه روي زمين زنـدگي كرده‌انـد، بدون توجه به مليّت آنان.

ه) ميشها (گوسفندان) و بزها: نيز از جزئيات مربوط مي‌باشند چرا كه مستقيماً به روز داوري نهايي در بازگشت عيسي مسيح مربوط است.
چه شخصي جزو گروه: گوسفندان: و چه شخصي جزو گروه: بزها: خواهد بود؟ به نكته 5 نگاه كنيـد.: گوسفندان و بزها: از نمادهاي عهدعتيق مي‌باشند.: گوسفند نماد: اشخاصي اسـت كـه بـه عيسـي مسـيح ايمان يا اعتماد داشته و از او پيروي مي‌كنند. ايشان مطيع و فرمانبردار مي‌باشند (مزمـور 79:13؛ يوحنـا 10:3ـ4، ـ 27). اما بز: نماد مردمي است كه ستيزه‌گر، سركش و نافرمان و ويرانگر مي‌باشـند (حزقيـال 34:17ـ19، دانيال 8: 5، 7، 21). در روز داوري نهايي، چگونگي رفتاري كه هر شخص با «يكي از اين برادران كوچكتر عيسي» داشته، نشان خواهد داد كه جزو گروه گوسفندان است يا بزها. بنابراين مقايسه در متي 25 بين اشخاصي است كه به ايمان نجات يافته‌اند (گوسفندان) و آناني كه به دليـل بي‌ايمـاني گم شده‌اند (بزها).

و) «برادران» عيسي مسيح چه كساني هستند؟: به نكته 5 مراجعه كنيد. بر اساس متي 12:50 و 28:10، ايشـان مسـيحيان حقيقي هسـتند، اشخاصـي كـه شـاگردان مسـيح بـوده و ارادة خـدا را انجـام مي‌دهند. « كوچكترين: برادران عيسي» اشاره به مسـيحياني مي‌كنـد كـه محتـاج كمـك مي‌باشـند، ماننـد مسيحيان گرسنه، مسيحيان تنها، مسيحيان فقير، مسيحيان مـريض و مسـيحيان زنـداني، و بطـور خلاصـه مسيحيانِ نيازمند.

ز) گوسفندان عادل خوانده شده‌اند: و اين نيز از جزئيات مربوط مي‌باشد، چرا كه گفتة مستقيم عيسي در داوري نهايي به‌هنگام بازگشت او مي‌باشد.
چرا گوسفندان: عادل: خوانده شده‌اند؟ گوسفندان: عادل: ناميده شده‌اند، يعني اينكه نه تنهـا خـدا بـه دليل ايمانشان به عيسي مسيح ايشان را عـادل شـمرده و همچـون عـادلان بـا آنـان رفتـار مي‌كنـد، بلكـه ايشان زندگي عادلانه‌اي نيز دارند. اين يك: عدالت انتسابي و انتقالي است ! اين مسيحيان با ايمان عــادل شمرده شده‌اند و با ايمان نيز عادل و مقدس زندگي مي‌نمايند! كلماتي كه بوسيله آنها عيسي بـه عـادلان خوشامد مي‌گويد، نشان مي‌دهد كه ايشان هر روز زندگي خود را وفادارانه بـا نشـان دادن محبت، رحمت و مهرباني نسبت به ديگران، حتي به كوچكترين در بين مسيحيان، سپري كرده‌اند. اين اشخاص نه بوسيله معجزات خارق‌العاده و انجام كارهاي بزرگ (متي 7:21ـ23) بلكه در امور كوچك و معمولي زندگي ثـابت مي‌نمايند كه شاگردان عيسي مسيح مي‌باشند (متي 10:4ـ42؛ 25:35ـ36). اين پيروان صادق مسيح كه او را در امور عادي زندگي احترام مي‌كنند و گرامي مي‌دارند، «بركت‌يافته» اعلام شده‌اند. آنان با شـادي، سپاسگزاري، فروتني و بصورت خودجوش خدمت مي‌كنند و بعد آن را بطور كامل از ياد مي‌برند!

ح) بزها ظالم خوانده شده‌اند: (ملعون در آيه 41) و اين نيز از جزئيات مربوط مي‌باشد. چرا كه گفتة مستقيم عيسي در داوري نهايي به‌هنگام بازگشت او مي‌باشد. چرا بزها: ظالم و ملعون: ناميده شـده‌اند؟ زيرا نه‌تنها خدا به‌دليل بي‌ايماني‌شان ايشان را گناهكار به‌حساب مي‌آورد و با آنان همچـون گناهكـار رفتـار مي‌كند، بلكه ايشان خود نيز از داشتن زندگي عادلانه قاصر آمده‌اند. كلماتي كه با آنها مسيح گناهكـاران را محكوم مي‌كند نشان مي‌دهد كه ايشان مخصوصاً به دليل گناه: بي‌توجهي و قصورشان: محكوم شـده‌اند. در اين قسمت ديگر رفتار شريرانه از قبيل بت‌پرستي، قتل، زنـا، دزدي و...قيـد نشـده اسـت بلكـه فقـط گناهـان بي‌تـوجهي و كوتـاهي، از قبيـل كوتـاهي در نشـان دادن محبت و رحمت و مهربـاني بـه ديگـران مخصوصاً به كوچكترين در ميان مسيحيان. تعجب و شگفتي آنـان از رد شدنشـان ريشـه در خودفريـبي و بي‌ايماني ايشان داشت.

ط) پايه و اساس نجات: نيز از جزئيات بسيار مربوط مي‌باشد، چرا كه عيسي مستقيماً آن را در ارتباط با روز داوري نهايي در بازگشت خود، تعليم مي‌دهد. يگانه پايـه و اسـاس بـراي نجـات چيسـت؟ در متي 25، حتي قبل از اينكه به اعمال خوب عادلان اشاره شود، عيسـي تأكيـد مي‌كنـد كـه پايـه و اسـاس نجات آنان و از اين رو پايه و اساس تمام اعمال نيك ايشـان، اين حقيقت اسـت كه: بوسـيله خـدا از ابتـدا

براي به ارث بردن ملكوت خدا انتخاب و برگزيده شده‌اند: (متي 25:34). چه خدا آنان را: «از ابتداي عالم»: (متي 25:34) برگزيده باشد و چه: «پيش از بنياد عالم»: (افسسيان 1:4) تفاوتي نمي‌كند، چرا كه نتيجه همان است! نه اعمال نيكِ عادلان بلكه فيض مطلق خدا پايه و اساس نجات ايشانست. اعمال نيك ايشان: ميوة: فيض است نه: ريشة: آن! بنابراين تمام جلال مي‌بايد به خدا داده شود! درخت مي‌تواند ارتباط بين فيض، ايمان و اعمال نيك را به تصوير بكشد! ريشه آن معرف فيض خداست، تنة آن معرف ايمان ما، و ميوه‌هاي آن معرف اعمال نيك ما (مقايسه كنيد با افسسيان 2: 8ـ10).

ي) ملاك و معيار براي داوري: نيز از جزئيات مربوط مي‌باشد، چرا كه عيسي در آيه 34 در مقايسه با يوحنا 3:36 و دوم تسالونيكيان 2:13ـ14 مستقيماً به آن اشاره مي‌كند. يوحنا 3:36 مي‌فرمايد: «آنكه به پسر: ايمان آورده باشد حيات جاوداني دارد: و آنه به پسر: ايمان نياورد حيات را نخواهد: ديد، بلكه غضب خدا بر او مي‌ماند». دوم تسالونيكيان 2:13ـ14 مي‌فرمايد: « از ابتدا: خدا شما را برگزيد براي نجات به تقديس روح و: ايمانِ: به راستي. و براي آن شما را دعوت كرد بوسيلة بشارت ما براي تحصيل جلال خداوند ما عيسي مسيح.»
ملاك و معيار داوري چه خواهد بود؟ ملاك و معيار براي داوري نهايي: ايمان داشتن: به عيسي مسيح خواهد بود. همة انسانها بر اساس ايمان يا بي‌ايماني‌شان به عيسي مسيح داوري خواهند شد.
نشانه يا علامت: ايمان حقيقي يا بي‌ايماني در روشي كه انسانها با «يكي از برادران كوچكترين عيسي» رفتار مي‌كنند ديده مي‌شود، كه عبارت است از نحوة رفتار ايشان با ساير مسيحيان. اعمال نيك مسيحيان چه كم باشد و چه زياد، نشانه‌اي است از ايمان حقيقي ايشان. گناه قصور و بي‌توجهي بي‌ايمانان چه مكرر باشد و چه پراكنده، نشانه‌اي است از بي‌ايماني آنان. در روز داوري نهايي اعمال نيكِ ايمانداران يا گناه قصور و بي‌توجهي بي‌ايمانان: به‌طور علني و آشكارا اعلام خواهد شد . بنابراين كاملاً آشكار است كه: پايه و اساس: داوري نهايي، ايمان داشتن يا بي‌ايماني خواهد بود نه اعمال نيك يا گناه قصور و بي‌توجهي.

ك) ملعونان به عذاب جاوداني خواهند رفت ؛ اين نكته از جزئيات مربوط مي‌باشد، چرا كه عيسي مستقيماً آن را تعليم مي‌دهد.
مجازات ملعونان چه خواهد بود؟: بزها: كه همان بي‌ايمانان هستند به دوزخ انداخته خواهند شد. در آنجا ايشان براي ابد از محبت خدا و حضور پر از مهر او محروم و جدا خواهند بود (دانيال 12:2؛ متي 25:46؛ دوم تسالونيكيان 1:ـ 8ـ9). آنان براي ابد رنج خواهند برد (اشعيا 66:24؛ مرقس 9:ـ 48؛ مكاشفه 14:11؛ 18:21ـ23).

ل) عادلان به حيات جاوداني خواهند رفت ؛ اين نكته از جزئيات مربوط است، چرا كه عيسي مستقيماً آن را تعليم مي‌دهد.
ميراث عادلان چه خواهد بود؟: ميشها (گوسفندان): كه همان عادلان مي‌باشند، يعني اشخاصي كه از طريق ايمان و بوسيله فيض خدا نجات يافته‌اند، ملكوتي را كه از ابتداي عالم براي ايشان آماده شده است به ارث خواهند برد.: ملكوت: در اين متن، ملكوت خدا در تجلي نهايي آن مي‌باشد يعني آسمان جديد و زمين جديد. عادلان نمي‌توانند بوسيله آنچه هستند يا انجام مي‌دهند ميراث ملكوت خدا را كسب كرده يا آن را به‌ارث ببرند. ايشان ملكوت خدا را به‌عنوان بخشش پر از محبت و مطلق خدا دريافت مي‌دارند (يوحنا 3:3؛ روميان 8: 17؛ كولسيان 1:13).
ايشان ملكوت را به‌عنوان: دارايي غيرقابل انتقال: دريافت خواهند كرد (عبرانيان 12: 28). مسيحيان واقعي كه قبلاً ملكوت خدا را قانوناً: دريافت كرده‌اند (متي 5:3،ـ 10،ـ 19؛ يوحنا 3:3)، در آن هنگام در: حقيقت: وارث آن مي‌گردند (متي 25:34)! تمام وعده‌ها در مورد نجات كامل روح و جسم و در مورد احياي كائنات در آنان به‌گونه‌اي جاوداني و پيش‌رونده جامعه عمل خواهد پوشيد! ايشان حيات جاويد را در مرحله نهايي ملكوت خدا يعني آسمان جديد و زمين جديد، به ارث خواهند برد. ايشان ديگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد (مكاشفه 7:16). ايشان ديگر هرگز مرگ، ماتم، گريه يا درد را تجربه نخواهند كرد، چرا كه نظم و ترتيب قديمي امورِ اين جهان حاضر نابود مي‌شود. در آسمان جديد و زمين جديد، خدا هر چيزي را تازه مي‌گرداند (مكاشفه 21:3ـ5).

4- تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه:: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث:: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل ميشها و بزها در متي 25:31ـ46: در مورد داوري در ملكوت خدا: تعليم مي‌دهد.

الف) پيام اصلي مثل عبارت است از: « مسيحيان و غيرمسيحيان بوسيلة عيسي مسيح در روز داوري نهايي به‌هنگام بازگشت او، بر اساس رابطه‌شان با مسيح و رفتارشان با او و با پيروان حقيقي‌اش داوري خواهند شد. »

ب) «روز داوري نهايي» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خدا مي‌باشد. شهروندان واقعي ملكوت خدا (گوسفندان) به روز داوري نهايي ايمان دارند. آنان از طريق نحوة رفتار خود با پيروان مسيح بر روي زمين، قبل از رسيدن روز داوري نهايي، نشان مي‌دهند كه ايمانشان به مسيح حقيقي و اصيل مي‌باشد. ايشان مسلماً ملكوت خدا را در شكل و مرحلة نهايي آن يعني بصورت آسمان جديد و زمين جديد به ارث خواهند برد.

ج) روز داوري نهايي به چهار دليل ضروري است:
1-: انسانهايي: كه به‌هنگام بازگشت مسيح: هنوز روي زمين زندگي مي‌كنند: لازم است كه مورد داوري قرار گيرند، يعني اينكه يا به ملكوت بروند و يا به دوزخ (اول تسالونيكيان 4:15ـ17).
2- تمامي انسانهايي كه زندگي كرده‌اند، لازم است در مورد: ميزان دقيق و صحيح پاداش يا مجازاتي: كه در جسم و روح خود در ابديت دريافت خواهند نمود، داوري گردند. تا لحظه داوري نهايي همة انسانهايي كه مرده‌اند فقط در مورد: روحشان: نه جسمهايشان در ملكوت يا دوزخ خواهند بود (دوم قرنتيان 5:10).
3-: عدالت خدا مي‌بايد علناً آشكار گردد: تا او در مسيح جلال بيابد (روميان 3:21ـ24؛ 11:36؛ دوم تسالونيكيان 1:10).
4-: عدالت مسيح و سربلندي قوم او مي‌بايد علناً اثبات گردد.: اين خيال و تصور انسانها كه او يك مجرم اعدامي بود مي‌بايد تغيير يابد و همة انسانها مي‌بايد او را كه مصلوب ساختند، ببينند. ايشان مي‌بايد او را در جلالش به‌همراه قومش ببينند (مكاشفه 1:7، فيليپيان 2:9ـ10).

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه:: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجود در تمام مثل‌ها با حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يا تضاد. سعي كنيد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
يادداشتها:
الف) روز داوري نهايي
قرائت:: يوحنا 5: 28ـ29؛ اعمال 1:11؛ 24:15؛ دوم تسالونيكيان 1:5ـ10؛ مكاشفه 20:11ـ15.
كشف و بحث:: چند داوري نهايي وجود خواهد داشت؟
يادداشتها:: دو ديدگاه متفاوت وجود دارد. ديدگاه اول مطابق كتاب‌مقدس نمي‌باشد. ديدگاه دوم كتاب‌مقدسي است.

1- ديدگاه اول
بعضي تعليم مي‌دهند كه چندين داوري نهايي وجود خواهد داشت و اين موضوع با ديدگاه ايشان در مورد دو بازگشت مجزاي مسيح و دو قيامت مجزاي مردگان كه هزار سال از يكديگر فاصله دارند، منطبق و هماهنگ است.
ـ بر اساس دوم قرنتيان 5:10، ايشان تعليم مي‌دهند كه اولين داوري نهايي فقط مختص ايمانداران مي‌باشد كه منطبق با: اولين بازگشت مسيح: (همان «ربوده شدن» يا «آمدن» مسيح، يوناني: parousia: ناميده مي‌شود) است. در اين داوري معيار و ملاك، ايمان به عيسي مسيح مي‌باشد.
- بر اساس قسمت‌هايي از عهدعتيق از قبيل يوئيل 3:2ـ 12 و متي 25:31ــ46، ايشان تعليم مي‌دهند كه داوري نهايي دوميني نيز وجود خواهد داشت كه مربوط به امتها خواهد بود و منطبق با: دومين بازگشت مسيح: («ظهور» مسيح، يوناني: apokalupsis) مي‌باشد كه معمولاً هفت يا سه و نيم سال بعد از نخستين بازگشت مسيح روي خواهد داد. يهوديان در اين داوري حضور نخواهند داشت و ملاك و معيار براي داوري ايمان امتها به عيسي مسيح نمي‌باشد، بلكه چگونگي و نحوة رفتار امتها با يهوديان، كه «برادران» او شمرده مي‌شوند.
ـ بر اساس متي 19:ـ 28، آنان تعليم مي‌دهند كه سومين داوري نهايي نيز به‌وقوع خواهد پيوست كه فقط مختص يهوديان مي‌باشد.
ـ و بر اساس مكاشفه 20:11ـ15، ايشان تعليم مي‌دهند كه داوري نهايي چهارميني نيز وجود خواهد داشت كه مربوط به امتهاي بي‌ايمان بعد از هزار سال مي‌گردد.

2- ديدگاه كتاب‌مقدسي
ـ براساس دوم تسالونيكيان 1:5ـ10، يگانه روز داوري نهايي (1:ـ 8ــ9) به‌هنگام يگانه: بازگشت: عيسي مسيح (يوناني erchomai ، 1:10؛ يوناني: parousia: 2:1) يا: ظهور: او (يوناني: apokalupsis ، 1:7) خواهد بود. در آن روز، بي‌ايمانان به: هلاكت جاوداني: خواهند رسيد و از حضور خداوند بيرون انداخته خواهند شد (1: 8ـ9). اما ايمانداران در او تعجب نموده و او را جلال خواهند داد (1:10).

ـ کتاب‌مقدس: تعلیم نمي‌دهد: که مسیح: دو بار: بازگشت خواهد کرد، بلکه فقط: يك بار: (اعمال 1:11 و تمام مثل‌هاي مسيح)!

ـ کتاب‌مقدس دربارهٔ دو قیامت (قیامت از مردگان) به فاصله هزار سال از یکدیگر: تعلیم نمي‌دهد ، بلکه فقط: يك: قیامت در روز بازگشت مسیح (یوحنا 5:28ـ29؛ اعمال 24:15)! «قیامت اول» در مکاشفه 20:5 به جانهاي مرده ايمانداران اشاره دارد که «زنده مي‌شوند»، يعني آناني که در تمام دوران بين ظهور مسيح و بازگشت وي، به آسمان به حضور مسيح در ملکوت منتقل مي‌گردند (ر.ش. دوم قرنتيان 5:1؛ فيليپيان 1:23). «زنده شدن» (يوناني: ezosan) اشاره به قيامت بدنها ندارد، بلکه به حيات روحاني در جلال آسماني بعد از مرگ جسماني اشاره مي‌نمايد. آن اشاره به زندگي احيا شده در ملکوت مي‌نمايد. در واقع همان معنايي را دارد که در لوقا 20:37ـ38؛ يوحنا 11:25ـ26؛ روميان 8:ـ 13ب و اول تسالونيکيان 5:10 بيان شده است. و «موت ثاني» در مکاشفه 20:6 به جانها و بدنهاي بي‌ايماناني اشاره دارد که در روز داوري نهايي به جهنم (درياچه آتش) انداخته مي‌شوند (مکاشفه 21:ـ 8). مکاشفه 20:4ـ6 بر اين نکته دلالت دارد که «موت اول» همان مرگ جسماني همهٔ انسانها مي‌باشد و اينکه «قيامت اول»، انتقال جانهاي فقط ايمانداران به ملکوت است. «قيامت دوم» قيامت جسماني همهٔ انسانها مي‌باشد، و «موت ثاني» انتقال جانها و بدنهاي فقط بي‌ايمانان به جهنم (درياچه آتش) مي‌باشد. اين را با يوحنا 5:24ـ29 مقايسه کنيد. يوحنا 5:24ـ25 صحبت از: قيامت روحاني: فقط ايمانداران از ظهور مسيح به بعد مي‌کند. اما يوحنا 5:ـ 28ـ29 صحبت از: قيامت فيزيکي و جسماني: همه انسانها در ارتباط با داوري نهايي در بازگشت مسيح مي‌کند.

ـ کتاب‌مقدس در مورد: چندين: داوري نهايي متفاوت: تعليم نمي‌دهد ، بلکه: فقط يك: داوري نهايي، بلافاصله پس از بازگشت مسيح و قيامت مردگان در روز بازگشت او (متي 25:31ـ33؛ 2پطرس 3:3ـ 13، مکاشفه 20:11ـ15)!

ـ بر اساس متي در روز بازگشت مسيح، مسيحيان قيامت مي‌يابند يا تبديل مي‌گردند (اول قرنتيان 15:42ـ55) و اول در ابرها ربوده مي‌شوند تا خداوند را در هوا ملاقات کنند (اول تسالونيکيان 4:16ـ17؛ متي 24:31، ـ 40الف، 41الف). ايشان: ميشها (گوسفندان): او (متي 25:33)،: گندم: (متي 3:12) يا: بذر نيکو، ابناي ملکوت (پسران ملکوت)، و عادلان: (متي 13:36ـ43) ناميده شده‌اند. ايشان در ابرها ربوده مي‌شوند تا خداوند عيسي مسيح را به‌هنگام بازگشتش ملاقات کرده، به او خوشامد گفته و در او حيرت زده و متعجب گردند (دوم تسالونيکيان 1:10). سپس در همان روز آخر که روز بازگشت مسيح است، غيرمسيحيان که بوسيله فرشتگان به‌هنگام جمع کردن برگزيدگان خدا از هر نقطه‌اي روي زمين، کنار گذاشته شده‌اند، به مقابل تخت داوري برده خواهند شد (متي 13:40ـ42؛ 24:40ب و 41ب؛ 25:32ـ33). آنان: بزها: (متي 25:33)،: کاه: (متي 3:12)،: کرکاس، پسران شرير، بدکاران: (متي 13:36ـ43) ناميده شده‌اند.

ديدگاه صحيح کتاب‌مقدسي اين است که براي همه فقط يك روز داوري نهايي وجود دارد (ر.ش. متي 25:46)!

ب) ملاك و معيار داوري

قرائت:: لوقا 10:20؛ مکاشفه 13:7ـ8؛ 20:11ـ15؛ 21: 8.

کشف و بحث:: ملاك و معيار داوري چه خواهد بود؟

يادداشتها:: بر اساس مکاشفه 20:11ـ15 در يگانه روز داوري نهايي (مکاشفه 20:12) تمام انسانهايي که در تمام طول تاريخ جهان مرده‌اند، از سوي موت (وضعيت يا حالت مرگ) و عالم اموات (مکان بدنهاي مرده، قبر) باز داده مي‌شوند. يعني اينکه همه بدون استثنا قيامت بدني پيدا خواهند کرد (مکاشفه 20:13 ؛ م.ش. يوحنا 5:ـ 28ـ29). اين پايان وضع و حالت مرگ و عالم اموات خواهد بود، چرا که هر دو در درياچه آتش (جهنم) نابود خواهند گشت (مکاشفه 20:14). هر شخصي، چه ايماندار و چه بي‌ايمان، بر اساس دفترها در آسمان و دفتر حيات داوري خواهد شد. هر شخص بر اساس آنچه انجام داده است داوري خواهد شد. اعمال آشکار و اعمال پنهان، چه خوب و چه بد (جامعه 12:14؛ دوم قرنتيان 5:10). تمام اينها در دفترها در آسمان مکتوب شده است. بنابراين شخص بر اساس اينکه آيا عيسي مسيح او را خوانده و او را مي‌شناسد داوري خواهد شد (متي 7:22ـ23؛ دوم تيموتاؤس 1:19). شخص بر اساس اينکه آيا زندگي‌اش مطابق با تعاليم، دستورات و الگوي عيسي مسيح بوده است يا نه داوري خواهد شد، که پيش از هر چيز عادل‌شمردگي بوسيلهٔ ايمان خواهد بود (يوحنا 6:29؛ روميان 3:ـ 28). تمام: بي‌ايمانان: به درياچهٔ آتش انداخته خواهند شد، چرا که نامهاي ايشان در دفتر حيات يافت نخواهد شد (مکاشفه 20:15). اما همهٔ: ايمانداران: وارث آسمان جديد و زمين جديد خواهند شد، چرا که نامهاي ايشان در دفتر حيات يافت خواهد شد.

ج) ميشها و بزها

قرائت:: اول يوحنا 1:9ـ11؛ 3:4ـ10.

کشف و بحث:: گوسفند و بز چه کساني هستند؟

يادداشتها:: بر اساس اول يوحنا 1:9ـ11 و 3:4ـ10 تفاوت آشکاري بين «فرزندان ابليس» و «فرزندان خدا» وجود دارد. مشخصهٔ فرزندان ابليس اين است که از خدا مولود نشده‌اند، در گناه زندگي مي‌کنند،: از انجام آنچه درست است کوتاهي مي‌ورزند و برادران خود را محبت نمي‌نمايند.: مشخصه فرزندان خدا

اين است كه از خدا مولود شده‌اند، در گناه زندگي نمي‌كنند، آنچه را كه درست است انجام مي‌دهند و برادران مسيحي خود را محبت مي‌نمايند. اين متن توضيح مي‌دهد كه بزها بطور نمادين معـرف فرزنـدان ابليس مي‌باشند و گوسفندان بطور نمادين معرف فرزندان خدا.

د) برادران مسيح
قرائت:: متي 12:5ـ 28:10؛ مرقس 3:35؛ يوحنـا 20:17؛ روميـان 8:ـ 29؛ عبرانيـان 2:11ـ13، ـ 17؛ يعقوب 2:15ـ17؛ اول يوحنا 16: 18؛ متي 10:14ـ16، 40ـ42.
كشف و بحث:: چه كساني برادران عيسي مسيح هستند؟
يادداشتها:
1- بر اساس متي 12:50 و مرقس 3:35، عيسي يهوديان را «بـرادران» خـود مخـاطب نمي‌سـازد، بلكه او هر شخصي را كه ارادة خدا را انجام دهد «برادر، خواهر و مادر خود» مي‌خواند. بـر اسـاس مـتي 28:10 و يوحنا 20:17 مسيح شاگردان خود را «برادران» خواند. بـر اسـاس روميـان 8:ـ 29ـ34 تمـام كساني كه بوسيله خدا برگزيده شـده‌اند و در نتيجـه از سـوي خـدا فراخوانـده شـده، عـادل شـده و جلال يافته‌اند، «برادران» عيسي خوانده شده‌اند. و بر اساس عبرانيان 2:ـ13،ـ 17 تمام اشخاصي كه مقـدس گردانيده شده‌اند، به عبارت ديگر تمام فرزندان خدا، «برادران» عيسي و متعلق به خـانوادة او مي‌باشـند. بدين ترتيب بر اساس متي 25:40،: «برادران عيسي»: تمام اشخاصي هستند كه خود را وقف او كرده و با او مشاركت روحاني دارند. بطور خلاصه، ايشان مسيحيان واقعي مي‌باشند. آنان اشخاصـي هسـتند كـه بدون توجه به مليت، نژاد و ساير چيزها، بوسيله فيض نجات يافته‌اند. يهوديانِ بي‌ايمان و سـاير بي‌ايمانـان مسلماً برادران عيسي نمي‌باشند.
2- و «برادران كوچكترين عيسي» بـه مسـيحياني اشـاره دارد كـه محتـاج كمـك مي‌باشـند، از قبيـل مسيحيان گرسنه، مسيحيان تنها، مسيحيان فقير، مسـيحيان مـريض، مسـيحيان زنـداني و مسـيحيان جفـا ديده (ر.ش. عبرانيان 10:32ـ34ـ؛ 13:3). بطور خلاصـه، منظـور مسـيحيان محتـاج و نيازمنـد مي‌باشـد. مشابه و معادل اين توصيفِ نمادين از كمك به مسيحيان نيازمند در اعمال 6:1ـ2، يعقوب 2:1ـ26 و اول يوحنا 3:16ـ20 آمده است؛ مطابق با اين قسمت‌ها مسيحيان مسـؤوليت دارنـد كـه بـه سـاير مسـيحيان نيازمند كمك كنند و بدين طريق نشان دهند كه ايمان و محبتشان حقيقي است!
و با متي 10:40ـ42 مشابه و همانند مي‌باشد. اين قسمت در مورد فرستاده شدن شـاگردان مسـيح به‌عنوان رسول براي اعلام انجيل يا پيام خوش سخن مي‌گويد. بر اسـاس مـتي 10:14ــ16، اگـر كسـي آنان را نمي‌پذيرفت يا به پيام ايشان گوش نمي‌داد، آنان مي‌بايد گرد و خاك پايهاي خود را مي‌تكاندند و آن مردمان و شهر ايشان را ترك مي‌كردند. روز داوري نهايي براي مردمان بي‌خدا و شرور سـدوم و غمـوره تحمل‌پذيرتر خواهد بود تا مردمان آن شهر. به هر حال، آنكه: يك رسـول: را مي‌پـذيرد، در واقـع مسـيح را مي‌پذيرد و به همان صورت خداي پدر را كـه او را فرسـتاده اسـت. هـر كس كـه اين مـردان را در مقـام واقعي‌شان به‌عنوان نمايندگان تام‌الاختيار عيسي مسيح قبول كند، خود مسيح را قبول كرده اسـت. چـنين شخصي علي‌رغم اينكه مي‌داند تحقير خواهـد شـد و حـتي بوسـيله همسـايگانش مـورد اذيت و آزار قـرار خواهد گرفت، اما باز هم شاگردان مسيح و پيام ايشان را كه در عهدجديد ثبت شده است، مي‌پذيرد (متي 10:40). هر كه يك: نبي را: به اين دليـل كـه او نـبي اسـت مي‌پـذيرد، پـاداش نـبي را مي‌يابـد. هـر كس، شخصي را كه حق اعلام حقيقت خدا را دارد بپذيرد، نه فقط بخاطر ملاحظه ادب يا صميميت، بلكه قطعاً به‌دليل اينكه اين پيام‌آور را واعظ حقيقي كلام خدا به‌حسـاب مي‌آورد، مسـلماً همـان پاداشـي را دريـافت خواهد كرد كه اگر خودش يك نبي مي‌بود. هر كس كه يك: شـخص عـادل: را بپـذيرد، پـاداش يـك شـخص عادل را دريافت خواهد كرد. هر كه شخصي را بپذيرد كه داراي رابطه صحيح با خدا است و آنچه را كه در نظر خدا صحيح است انجام مي‌دهد، يعني يك مسـيحي حقيقي را بپـذيرد، نـه فقـط بـه خـاطر ملاحظـات انساني، بلكه قطعاً به دليل اينكه آن مسيحي را شخصي تلقي مي‌كند كه مذهب حقيقي را عمـل مي‌كنـد، مسلماً پاداشي همانند پاداش آن شخص عادل را دريافت خواهد كرد. بنابراين، مردمي كه بـراي فرزنـدان خدا كه مسافرت كرده و پيام او را اعلام مي‌كنند، مسكن و غذا فراهم مي‌سازند و به آنان كمك مي‌كننـد، وعده داده شده كه همان پاداش افرادي را كه مورد كمك قرار مي‌دهنـد، دريـافت خواهنـد داشـت (مـتي 10:41). هر كه حتي كاسه‌اي آب سرد به: يكي از اين كوچكـترين بـه دليـل اينكـه شـاگرد مسـيح اسـت: بدهد، مطمئناً اجر او ضايع نخواهد شد. امكان دارد اين شاگرد در نظر مردم دنيا كسي به حسـاب نيايـد و شخصي كـاملاً بي اهميت و ناشـناخته باشـد، امـا در نظـر مسـيح، او شـاگرد وي مي‌باشـد. هـر كـه حـتي كم‌اهميت‌ترين كمك را به كوچكترين اشخاصي بنمايد كه بـه مسـيح اعتمـاد دارنـد و از وابسـتگي خـود بـه مسيح آگاه مي‌باشند، يقيناً پاداش و اجر او ضايع نخواهد شـد. چـه پـاداش يـا اجـري؟ كتاب‌مقـدس وعـده مي‌دهد كه او از هم اكنون آرامش خواهد داشت، كـه عبـارت اسـت از سـلامتي خـدا، تندرسـتي، رشـد و شـكوفايي روحـاني و آزادي از ترسـها و رنجهـاي پريشـان‌كننده و كشمكشـهاي اخلاقي (مـتي 10:13). همچنين وعده مي‌دهد كه مسيح به‌هنگام بازگشتش او را علناً مورد تصديق قرار خواهد داد (متي 25:34ـ36). همچنين بـه ايشـان وعـده پـاداش بـر اسـاس اعمـال (مـتي 16:27؛ اول قرنتيـان 3:12ــ14) داده مي‌شود كه شامل تمـامي بركـاتي اسـت كـه در روز داوري نهـايي بـه مسـيحيان از سـر لطـف بخشـيده مي‌شود (متي 10:42).

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل

بحث:: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؟ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:

الف) تمام انسانها بايد بدانند كه خدا يا عيسي مسيح چگونه هستند.: عيسي مسيح به‌هنگام بازگشت خود، براي داوري تمام انسانهايي خواهد آمد كه بر روي زمين زندگي كرده‌اند! هر شخصي مي‌بايد حساب زندگي خود را به عيسي مسيح بدهد!

ب) مسيحيان بايد بدانند كه چگونه بايد باشند.: هر شخصي كه زندگي كرده است، بر اساس رابطه‌اش با مسيح و نحوة رفتارش با او و با مسيحيان داوري خواهد شد، بدون توجه به اينكه آن مسيحيان اشخاص مهمي هستند يا نه. شخص بر اين اساس داوري خواهد شد كه آيا در طول زندگي زميني خود شاهدي براي ايمان خود به عيسي مسيح نشان داده است يا نه. به‌عبارت ديگر آيا در زندگي خود ايمان حقيقي به عيسي مسيح داشته است يا نه؟

5 دعا:: (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف:: (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر:: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل «ميشها و بزها» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از ميكا 5، حجي 2، زكريا 14، ملاكي 3 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: هر روز 5 آيه حفظي آخر را مرور كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 1:16ـ26. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.